





دانشگاه بوعلی سینا

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

بررسی اسما و صفات الهی در اوستا

استاد راهنما:

دکتر تیمور قادری

استاد مشاور:

دکتر بابک عالی خانی

نگارش:

محمد میرزایی

سال ۱۳۸۸

همه امتیازهای این پایان نامه به دانشگاه بوعلی سینا تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب این پایان نامه در مجلات، کنفرانس ها و یا سخنرانی ها، باید نام دانشگاه بوعلی سینا (یا اساتید راهنمای پایان نامه) و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

ای خدای بی نظیر ایثار کن	گوش را چون حلقه دادی زین سخن
گوش ما گیر و در آن مجلس کشان	کز رحیقت می خوردند آن سرخوشان
کز رحیقت می خوردند آن سرخوشان	مصلحی تو ای تو سلطان سخن
کیمیا داری که تبدیلت کنی	گرچه جوی خون بود نیلت کنی

اگر در این پایان نامه نکته‌ی روشن یا سخن تازه‌ای باشد میوه‌ی صحبتِ مهربانانی است که همراهی و هم‌راییشان نعمتی الهی و درخورِ شکرِ بی‌پایان است.

ز دستِ کوتاهِ خود زیرِ بارم	که از بالابندان شرمسارم
اگر گفتم دعای می‌فروشان	چه باشد؛ شکرِ نعمت می‌گزارم

پیش و بیش از هر کس از پدر و مادرم سپاس‌گزارم که بی‌گرمی مهرِ بی‌دریغشان نه چشم دیدارِ این راه را داشتم و نه پای رفتار. نیز رهینِ منتِ برادرانم هستم که حضورشان مایه‌ی آرامشِ خاطر من بوده و هست.

این پایان نامه به راهنماییِ دکتر تیمور قادری به سرانجام رسید که تشکر از ایشان را بر خود لازم می‌دانم. آقای دکتر بابک عالی‌خانی نیز از سرِ لطف، بسیار بیش از آن چه مرسومِ سمتِ مشاوره است راه‌گشایِ این پژوهش بودند. پرسش‌هایی که از گفت و گو با ایشان برای نگارنده ایجاد شد معنایِ مسأله را برای وی روشن‌تر کرد.

در مدتِ تدوینِ این متن دوستان و همراهانِ بسیاری، هر یک به گونه‌ای، پیمودنِ راه را آسان کردند. از همه‌ی ایشان سپاس فراوان دارم؛ از جمله خانواده‌ی گرامیِ شمس، دوست و معلمِ بلندنظر و ژرف‌نگرم آقای اشکان بحرانی و دیگر دوستانِ گران‌قدم آقایان احسان حمیدی زاده، سید فرشید سادات شریفی، عظیم جبار، محمد باقر فرهنگی، محسن مرشدی، مجتبی حقیقت، فریبرز دندانمزد، سید مهدی میرفتاح، رضا ناصری هرسینی، رضا پویان، ایمان غلام‌نژاد، محمود مکاری زاده، سید مجتبی حسینی، ارسلان فعلی، محسن احمدی، محمدرضا حق‌شناس، محمد مصدق زاد، حسین پوروهابی و آرش نوروزی.

والحمد لله اولاً و آخراً

نام خانوادگی دانشجو: میرزایی

نام: محمد

عنوان پایان نامه: بررسی اسما و صفات الهی در اوستا

استاد راهنما: دکتر تیمور قادری

استاد(ان) مشاور: دکتر بابک عالی خانی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: فرهنگ و زبان‌های باستانی گرایش:

دانشگاه: بوعلی سینا دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۸۸/۶/۳۱ تعداد صفحه:

کلید واژه‌ها: اوستا، اسما و صفات الهی، الهیات زرتشتی، امشاسپندان.

چکیده:

هدف پژوهش حاضر استخراج فهرستی از اسما و صفات الهی در اوستای متقدم و اوستای متأخر و ارائه‌ی تحلیلی از این اسما و صفات است. این تحلیل بدین منظور انجام گرفته است که جایگاه نظام الهیاتی

گاهانی را در میان جریان‌های عمده‌ی دینی در عصرِ محوری روشن کرده، از این طریق نقشِ این نظام را در گذارِ اندیشه‌ی بشری از دین‌های فرهنگی و اسطوره-بنیاد به ادیانِ توحیدی و حیانی مشخص کند.

در ادامه کثتش شده است که با درنگ در نامِ اهوره مزدا و تأکید بر نظامِ امشاسپندان همچون سلسله‌ای از اسما و صفاتِ الهی که زمینه‌سازِ حضورِ خداوند در این‌جا و اکنونِ جهان اند شمایی کلی از نظامِ کیهان-شناسیِ گاهانی ارائه گردد. به حکمِ ضرورت، فهرستِ اسما و صفاتِ الهی در متونِ اوستاییِ کهن و نو، به جز وندیداد، ارائه شده است.

فهرستِ عناوین

فصلِ اوّل: طرحِ پژوهش

- ۱-۱- بیانِ مسأله..... ۲Error! Bookmark not defined.
- ۲-۱- اهدافِ پژوهش..... ۳Error! Bookmark not defined.
- ۳-۱- سؤالاتِ مطرح در پژوهش..... ۴Error! Bookmark not defined.
- ۴-۱- پیشینه‌ی پژوهش..... ۵Error! Bookmark not defined.

فصلِ دوم: روش‌های اوستا و روش‌های اوستاپژوهی

- ۱-۲- روش‌های اوستا..... Error! Bookmark not defined.
- ۲-۲- روش‌های اوستاپژوهی..... ۱۲

فصلِ سوم: مسأله‌ی اسما و صفاتِ الهی و ظهورِ آن در اوستا

- ۱-۳- مسأله‌ی زبان..... ۱۸
- ۱-۳-۱- امکانِ سخن گفتن از خدا..... ۱۸
- ۱-۳-۲- مسأله‌ی زبان در اوستا..... ۱۹
- ۲-۳- اهمیتِ مبحثِ اسما و صفاتِ الهی در پژوهشِ ادیان..... ۲۲Error! Bookmark not defined.
- ۳-۳- انسان‌گونه‌انگاری..... ۲۵
- ۱-۳-۳- انسان‌گونه‌انگاری در جهانِ معنویِ هند-و-ایرانی..... ۲۶
- ۴-۳- بت و توصیفاتِ تجسمی..... ۲۸Error! Bookmark not defined.
- ۵-۳- انواعِ تجربه‌ی امرِ الوهی:..... ۲۸Error! Bookmark not defined.
- ۶-۳- تجربه‌ی زرتشت از امرِ الوهی:..... ۳۰Error! Bookmark not defined.
- ۷-۳- نظامِ آخرت‌شناسی و تأثیرِ آن در شکل‌گیریِ یزدان‌شناسیِ گاهانی:..... ۳۱Error! Bookmark not defined.
- ۸-۳- ضرورتِ شخص‌وارگی، فردیت و احرازِ صفت برایِ خدایِ زرتشت:..... ۳۳Error! Bookmark not defined.
- ۹-۳- اهوره مزدا، خدایِ فعّال..... ۳۶Error! Bookmark not defined.
- ۱۰-۳- اهوره مزدا، خدایِ اخلاقی..... ۳۹

فصلِ چهارم: بررسی مفهومِ خدا در پنج حوزه‌ی دینی عمده

- ۴۷ [۱-۴-بایستگی بررسی صورت‌های همزمان مفهوم خدا:](#)
- [۴۸Error! Bookmark not defined.](#)..... [۲-۴-مفهوم خدا در هند](#)
- [۴۸Error! Bookmark not defined.](#)..... [۱-۲-۴-زمینه‌ی بحث](#)
- [۵۰Error! Bookmark not defined.](#)..... [۲-۲-۴-مصادق‌های مفهوم خدا در آیین هندو:](#)
- [۵۱Error! Bookmark not defined.](#)..... [۱-۲-۲-۴-ورونه، تصویر آغازین الوهیت در ریگ‌ودا](#)
- [۵۲Error! Bookmark not defined.](#)..... [۲-۲-۲-۴-برهمن، تثبیت مفهوم نامتشخص خدا](#)
- [۵۷Error! Bookmark not defined.](#)..... [۳-۴-مفهوم خدا در بین‌النهرین](#)
- [۵۷Error! Bookmark not defined.](#)..... [۱-۳-۴-زمینه‌ی بحث](#)
- [۵۸Error! Bookmark not defined.](#)..... [۲-۳-۴-دو گانه‌باوری و باورهای طبیعی و انسانوار درباره‌ی خدایان در بین‌النهرین](#)
- [۵۹Error! Bookmark not defined.](#)..... [۴-۴-مفهوم خدا در یونان](#)
- [۵۹Error! Bookmark not defined.](#)..... [۱-۴-۴-زمینه‌ی بحث](#)
- [۵۹Error! Bookmark not defined.](#)..... [۲-۴-۴-مفهوم خدا نزد هومر و هزیود](#)
- [۶۲Error! Bookmark not defined.](#)..... [۳-۴-۴-نقد گزنوفانس](#)
- [۶۴Error! Bookmark not defined.](#)..... [۵-۴-مفهوم الوهیت در دین یهود](#)
- [۶۴Error! Bookmark not defined.](#)..... [۱-۵-۴-زمینه‌ی بحث](#)
- [۶۴Error! Bookmark not defined.](#)..... [۲-۵-۴-انسانوار انگاری در دین یهود](#)
- [۶۵Error! Bookmark not defined.](#)..... [۳-۵-۴-ورود به فلسطین و تأثیر آن در مفهوم یهودی خدا](#)
- [۶۶](#)..... [۴-۵-۴-تبعید به بابل و تأثیر آن در مفهوم یهودی خدا](#)
- [۶۷Error! Bookmark not defined.](#)..... [۶-۴-مفهوم خدا در دین ایرانی:](#)
- [۶۷Error! Bookmark not defined.](#)..... [۱-۶-۴-زمینه‌ی بحث](#)
- [۶۹Error! Bookmark not defined.](#)..... [۲-۶-۴-مفهوم خدا در دین هخامنشی:](#)
- [۷۰Error! Bookmark not defined.](#)..... [۳-۶-۴-بگه و اهوره مزدا:](#)
- [۷۰Error! Bookmark not defined.](#)..... [۴-۶-۴-اهوره مزدای هخامنشیان و اهوره مزدای زرتشت:](#)
- ۷۱ [۷-۴-میثره و تصویر الوهیت در دین ایرانی](#)

۸۰ [۱-۵- ساختار دو گانه](#)

[۸۴Error! Bookmark not defined.](#)..... اهوره ۲-۵

[۸۶Error! Bookmark not defined.](#)..... مزدا ۳-۵

[۸۸Error! Bookmark not defined.](#)..... اهوره مزدا ۴-۵

[۹۰](#) اهوره مزدا و میتره اهوره ۱-۴-۵

فصل ششم: امشاسپندان

[۹۷Error! Bookmark not defined.](#)..... پیدایش اندیشه‌ی امشاسپندان: ۱-۶

[۹۷Error! Bookmark not defined.](#)..... زمینه‌ی تاریخی و وجوه تمایز نظام گاهانی امشاسپندان ۲-۶

[۹۹Error! Bookmark not defined.](#)..... نظریات عمده درباره‌ی جایگاه امشاسپندان در کیهان‌شناسی زرتشتی ۳-۶

[۱۰۱](#) امشاسپندان و اندیشه‌ی وحدت وجود ۴-۶

[۱۰۴Error! Bookmark not defined.](#) نظریات عمده پیرامون ساختار نظام امشاسپندان: ۵-۶

[۱۰۶Error! Bookmark not defined.](#) ارتباط ساختاری امشاسپندان با اندیشه‌ی برکت‌بخشی ۱-۵-۶

[۱۱۳Error! Bookmark not defined.](#) سپنته مینیو ۶-۶

[۱۱۳Error! Bookmark not defined.](#) جایگاه سپنته مینیو در نظام کیهان‌شناسی زرتشتی ۱-۶-۶

[۱۱۳Error! Bookmark not defined.](#) منه ۲-۶-۶

[۱۱۳Error! Bookmark not defined.](#) معنای ((منه)) ۱-۲-۶-۶

[۱۱۵Error! Bookmark not defined.](#) پیشینه‌ی باور به مینیو ۳-۶-۶

[۱۱۶Error! Bookmark not defined.](#) پیشینه‌ی باور به سپنته مینیو ۴-۶-۶

[۱۱۷Error! Bookmark not defined.](#) سپنته مینیو در نظام زرتشتی: حاجب و کاشف ذات الهی ۵-۶-۶

[۱۱۹Error! Bookmark not defined.](#) سپنشته مینیو و سپنته مینیو، فیض اقدس و فیض مقدس ۱-۵-۶-۶

[۱۲۴Error! Bookmark not defined.](#) وهومنه: ۷-۶

[۱۲۴Error! Bookmark not defined.](#) کارکرد کیهان‌شناختی وهومنه ۱-۷-۶

[۱۲۵Error! Bookmark not defined.](#) وهو ۲-۷-۶

۱۲۶	Error! Bookmark not defined.	اشه ۸-۶
۱۲۶	Error! Bookmark not defined.	۱-۸-۶ پیشینه و نظایر اشه
۱۲۶	Error! Bookmark not defined.	۲-۸-۶ کارکرد کیهان‌شناختی اشه
۱۲۷	Error! Bookmark not defined.	۳-۸-۶ کارکرد آخرت‌شناختی اشه
۱۲۸	Error! Bookmark not defined.	۹-۶ خشره
۱۳۰	Error! Bookmark not defined.	۱۰-۶ سپته آرمیتی
۱۳۰	Error! Bookmark not defined.	۱-۱۰-۶ جایگاه کیهان‌شناختی سپته آرمیتی
۱۳۰	Error! Bookmark not defined.	۲-۱۰-۶ سپته آرمیتی و پدیدارشناسی مزدایی زمین
۱۳۲	Error! Bookmark not defined.	۳-۱۰-۶ کارکرد آخرت‌شناختی سپته آرمیتی
۱۳۴	Error! Bookmark not defined.	۱۱-۶ هئوروات و امرتات
۱۳۴	Error! Bookmark not defined.	۱-۱۱-۶ پیشینه و نظایر هئوروات و امرتات
۱۳۴	Error! Bookmark not defined.	۲-۱۱-۶ تلفیق دو کارکرد آخرت‌شناختی و برکت‌بخشی در زوج هئوروات و امرتات

فصل هفتم: فهرست اسما و صفات الهی در اوستا

۱۴۰	Error! Bookmark not defined.	۱-۷ اسما و صفات الهی در اوستای متقدم
۱۴۰	Error! Bookmark not defined.	۱-۱-۷ اسما و صفات الهی در گات‌ها
۱۴۸	Error! Bookmark not defined.	۲-۱-۷ اسما و صفات الهی در یسن هفت‌ها
۱۴۹	Error! Bookmark not defined.	۲-۷ اسما و صفات الهی در اوستای متأخر
۱۴۹	Error! Bookmark not defined.	۱-۲-۷ اسما و صفات الهی در یسنا
۱۶۱	Error! Bookmark not defined.	۲-۲-۷ اسما و صفات الهی در یشت‌ها
۱۷۸	Error! Bookmark not defined.	۳-۲-۷ اسما و صفات الهی در ویسپرد
۱۸۲	Error! Bookmark not defined.	۱-۱-۷ اسما و صفات الهی در خرده اوستا

فصل هشتم: نتیجه‌گیری

۱۸۵	Error! Bookmark not defined.	نتیجه‌گیری
---------------------	-------------------------------------	-------	------------

فهرست منابع

۱۹۱..... ۹- منابع به زبانِ فارسی

۱۹۶..... ۹- منابع به زبان‌های اروپایی

فهرستِ کوتاهِ نوشت‌ها:

به دلایلی که در پایانِ بخشِ یک توضیح داده شده است وندیداد و فصلِ صد و یک نامِ خدا از خرده اوستا در دامنه‌ی این پژوهش قرار نگرفته اند. نشانه‌های اختصاری به کار رفته در این بخش از این قرار اند:

Y: یسنا

Yt: یشت

Visp: ویسپرد

Hd.N: هادخت نسک

H.G: هاون گاه

R.G: ریثوین گاه

Oz.G: اُزبرین گاه

Oi.G: اویسروت‌ریمگاه

Oš.G: اُشهین گاه

Āf.R: آفرینگان ریثوین

Āf.D: آفرینگان دهمان

Āf.Ghb: آفرینگان گهنبار

Āf.Ght: آفرینگان گاتا

پژوهش‌های اوستایی، به دلیل وابستگی بسیار به تجزیه و تحلیل‌های زبان‌شناختی-تاریخی کم‌تر مجال آن را می‌یابند تا پا از دایره‌ی مطالعات شرق‌شناسی بیرون بگذارند. از اعتراف به این نکته ناگزیریم که هر پژوهشی در این مجموعه‌ی دینی از توجه به وجوه زبانی آن ناگزیر است اما اهتمام به این جنبه نیز نباید مانع از پرداختن به ابعاد معرفتی سنت زرتشتی شود.

در این پژوهش کوشیده ایم تا اسما و صفات الهی را، به عنوان یکی از گزاره‌های بنیادین در هر سنت دینی توحیدی، در گستره‌ی اوستا بررسی کنیم. این بررسی اوستای گاهانی و دیگر متون اوستایی کهن و اوستای نو، به جز وندیداد، را در برمی‌گیرد.

از آن جا که پژوهش در موضوع این پایان‌نامه نیازمند پیش‌چشم داشتن فهرستی از اسما و صفات الهی مذکور در اوستا بود، این فهرست از متن اوستا استخراج و در فصل هفتم، پیش از جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، ارائه شد.

محدودیتی که قالب پایان‌نامه بر نگارنده تحمیل کرد مانع از ادای حق جانب الهیاتی موضوع، به طور عام، شد و کار این بخش را به مقالی دیگر و مجالی گسترده‌تر سپرد.

نگارنده امیدوار است در این پژوهش توانسته باشد گامی در جهت بررسی مجموعه‌ی اوستا به عنوان مرجع درجه‌ی اول سنت زرتشتی بردارد و این متون را نه به عنوان سندی مرده از آن شرق باستان، که به عنوان اعتقادنامه‌ی دینی بررسی‌شده باشد که به رغم کمیت اندک پیروانش در دنیای امروز، در طول تاریخ ادیان، از لحاظ کیفی، نقش چشم‌گیری در تکامل اندیشه‌های دینی بشر داشته است.

بدیهی است که شکل فعلی کار با تصویر مطلوب آن به عنوان پژوهشی میان‌رشته‌ای فاصله دارد. نگارنده امیدوار است به یاری توفیق الهی سررشته‌ای را که در جریان این پژوهش به دستش نهاده اند - و آن نیز از نظر عنایت الهی بوده است - در تراکم روزمرگی از دست نهد و گذر روزگار سرمایه‌ی توفیق وی در ادای حق موضوعی از این دست موفق گردد.

و ما توفیقی آلا بالله، علیه توکلت و الیه اُنیب.

۱-۱- بیان مسأله

درک شایسته‌ی سنت زرتشتی، چنان که از هر نوع تعصب برکنار باشد نیازمند نگاه به سیر تکوین، تکامل و دگرگونی مفاهیم محوری این دین است. بخشی از این نگاه بی‌تردید باید معطوف به ابعاد "تاریخی" این سیر باشد اما در عین حال باید اعتراف کرد که در کار پژوهش در دین روش تاریخی به دلیل ابتدا بر نوعی عینیت‌باوری^۱ از نفوذ به درون متن سنت ناتوان است. در این مورد خاص نباید فراموش کرد که هیچ گزارشی تاریخی دقیقی از درون جامعه‌ی زرتشتی در دوره‌های آغازین در دست نیست و اندک منابع مربوط به دوره‌ی میانی هم رنگ تندی از اسطوره دارد. این همه ما را در فاصله‌ای دور از جهان ذهنی زرتشت و نخستین پیروانش نگاه می‌دارد.

دیگر مانع این همدلی دشواری‌های زبانی سروده‌های زرتشت است که تنها یکی از مشکلات آن وجود شمار درخور توجهی واژه‌ی ناشناخته و عدم آشنایی کامل ما با اندیشه‌های زرتشت است. به علاوه نباید فراموش کرد که زبان شعر نیز خود بر پیچیدگی مطلب می‌افزاید و مشکلات دستوری کار را از این نیز دشوارتر می‌سازد (تفضلی، ۱۳۸۳: ۳۷).

تکیه بر نوشته‌های تاریخ‌نگاران یونانی، رومی و ارمنی نیز که در جهان باستان گزارش‌هایی از این دین به دست داده اند نمی‌تواند روشی پسندیده برای پژوهش در پایه‌های دیانت زرتشتی باشد چرا که این نویسندگان در بهترین وضعیت معمولاً بر اساس مشاهدات مردم‌نگارانه عمل کرده اند نه با پژوهش در متون پایه^۲ و از همین رو "هیچ یک از زرتشت اوستایی و آیین او که در گات‌ها بازگو شده است آگاهی نداشته‌اند" (بنونیست، ۱۳۷۷: ۷۸). این مسأله‌ای دور از انتظار نیست چرا که غربیان تا پیش از انتشار پژوهش مارتین هاوک^۳ از استقلال گات‌ها از اوستای نو بی‌خبر بودند (دوشن‌گیمن، ۱۳۸۳: ۴۰-۴۱). متن پژوهی و پژوهش‌های متن‌محور در شکل امروزین پیش از هرچیز مدیون تلاش‌های شرق‌شناسان مدرن است که پس از شور بی‌مهار و بی‌پایه‌ی داستان‌نویسان سده‌های شانزدهم و هفدهم در توصیفات افسانه‌ای صرف از سرزمین‌ها و مردمان شرقی (مارتینو، ۱۳۸۱: ۱۷-۲۴) از سده‌ی هجدهم به طور جدی عزم بر گردآوری، تصحیح و ترجمه‌ی میراث مکتوب خاورزمین جزم کردند. پیشگام این گروه در زمینه‌ی پژوهش‌های زرتشتی آنکتیل دوپرون فرانسوی است اما تلاش‌های او نیز، به رغم بهره‌گیری از شیوه‌ی علمی، روشن و سنجیده، از سرزنش برخی دانشمندان وقت اروپا که جست و جو در دیانت‌های شرقیان را بی‌حاصل می‌دانستند بی‌بهره نماند (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۳۵).

به علت این ناباوری به ابعاد معنوی اصیل زرتشتی‌گری در پژوهش‌های معاصر نیز مطالعه‌ی سنت زرتشتی کم‌تر از مدار شرق‌شناسی فاصله گرفته و معمولاً نه به عنوان یکی از سنن دینی بلکه همچون

^۱ objectivism

^۲ ایران‌شناس فرانسوی، امیل بنونیست، گزیده‌ای از گزارش‌های یونانی درباره‌ی دین ایرانی را در کتاب "دین ایرانی بر پایه‌ی متن‌های معتبر یونانی" به تفصیل بررسی کرده و نقد کرده است. برای یافتن نقد مختصری از او بر شیوه‌ی کار مورخان یونانی و ارمنی نیز نک:

Benveniste, E: Les mage dans l'Ancien Iran. p.24.

^۳ Essays on the Sacred Language, writings and religion of the Parsis (2nd edition by west). 1884.

پاره‌ای از شرق نگریسته و "موضوع" علم شرق‌شناسی "دانسته شده است؛ علمی که از آغاز مدعی مطالعه‌ی موضوع خود در مهد پرورش علم و با روش عینیت علمی بوده است (آشوری، ۱۳۸۴ ب: ۷۰-۷۱). از سوی دیگر شکل‌گیری مفهوم نوین "شرق‌شناسی" در جهان غرب، با همه‌ی دست‌آوردهای درخشانش، گاه از عوامل ذهنی یا تاریخی زمان گزندی می‌یافت. از آن جمله است پیدایش تعصبات شوم آریاپرستانه در آلمان میان دو جنگ جهانی که به طور خاص موجب بد فهمی‌هایی از "ادیان ایران باستان"، اثر مهم هنریک ساموئل نیبرگ شد و به بهانه‌ی نقد چشم‌ها را بر نکات مثبت آن کتاب نیز بست (فانی، ۱۳۷۵: ۸).

آسیب دیگر از ناحیه‌ی نگاه مبتنی بر باستان‌شناسی بوده است که هرچند از دقت بسیار برخوردار بوده، نزد محقق‌ی همچون هرتسفلد کار را به تکیه‌ی صرف بر کشف فرهنگ مادی می‌کشاند (فانی، ۱۳۷۵: ۶). در این میان آن چه کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است جایگاه دین زرتشتی در تاریخ ادیان به عنوان پلی میان ادیان شرقی و ادیان غربی و مفصلی در تاریخ اندیشه‌ی توحیدی بوده است. کورنمان، نویسنده‌ی کتاب "تاریخ جهانی مدیترانه" می‌نویسد: "هر کس می‌خواهد مسیح (ع) و محمد (ص) را درک کند باید از جهان‌ذهنی زرتشتی آغاز کند" (König, 1974: 232).

در این میان نمی‌توان ناگفته گذاشت که در میان محققان غربی تلاش‌های برخی مانند هانری کربن، ماریان موله، و در دوران ما به ویژه پروفیسور شائول شاکد که با نگاهی پدیدارشناسانه و فراگیر به متون اوستایی و پهلوی می‌نگریستند و می‌نگرند از مدار تاریخ‌باوری صرف فاصله گرفته، مفاهیم تازه‌ی را وارد عرصه‌ی پژوهش‌های ایران باستان کرده و پرده از ارتباطاتی عمیق میان "ایران مزدایی" و "ایران اسلامی" برداشته است. برجسته‌ترین نتایج این رویکرد را می‌توان در آثار کربن دید که آشکارا سخن از مفهوم "اسلام ایرانی" می‌گفت.

آن چه گفته شد تلاش برای کتمان ارزش دست‌آوردهای درخشان شرق‌شناسی در زمانی بیش از دو سده^۴ -از ترجمه‌ی اوستا به قلم آنکتیل دوپرون تا کنون- نبود، که چنین گزاره‌ای عرض خود بردن

⁴ A history of these studies is found in the above eight articles:

- I. Ghirshman, Roman: *Activité des missions archéologiques françaises en Iran depuis la première guerre mondiale*
 - II. Lentz, Wolfgang: *Die Iranforschung und das gegenwärtige Deutschland*
 - III. Mayrhofer, Manfred: *Irans Kultur-und Sprachwelt in der Arbeit der Österreichischen Akademie der Wissenschaften*
 - IV. Eiselt, Josef: *Forschungsdararbeit des naturhistorischen Museums Wien im und für den Iran*
 - Gardona, Giorgio. R: *Studi di iranistica in Italia dal 1680 ad oggi*
 - Katrak, Jamshid Kawasji: *Gujarati literature on Iranology*
 - Bečka, Jiří: *Iran in old Czeck literature and scholarship*
 - Bečka, Jiří: *L'iranologie tchécoslovaque*
- All published in *Acta Iranica*. Vol. 1

است. این همه درآمدی بود برای توضیح این نکته که نگارنده کوشیده است تا بر اساس این یافته‌های ارزنده، چندان که در بضاعت اندکش باشد، در کنار نگاه تاریخی و در زمانی نگاهی هم‌زمانی نیز به یکی از مهم‌ترین عناصر زرتشتی‌گری بیفکند: مبحث اسما و صفات الهی در اوستا.

۲-۱- اهداف پژوهش

اما در میان موضوعات گوناگونی که می‌تواند موضوع پژوهشی متن‌محور درباره‌ی اوستا باشد، چرا به این موضوع ویژه پرداخته ایم؟

پاسخ آن است که موضوع اسما و صفات همواره به عنوان یکی از اساسی‌ترین مفاهیم ادیان توحیدی از زوایای گوناگون موضوع تحقیق دین‌پژوهان بوده است، اما در این میان توجه به این موضوع در بافت دین زرتشتی، به رغم اهمیت فراوان آن در این سنت، بسیار کم، نزدیک به صفر، بوده است. نگارنده بر آن است که روشن‌شدن زوایایی از این موضوع می‌تواند نه تنها به عنوان پژوهشی در حیطه‌ی شرق‌شناسی، که چون موضوعی میان‌رشته‌ای به ویژه در زمینه‌ی دین‌پژوهی دیده شود. به علاوه علاقه‌ی شخصی نگارنده به نظریه‌ی اسلام ایرانی هانری کربن انگیزه‌ی دیگری بوده است برای جست‌وجو درباره‌ی مبحث اسما و صفات به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اشتراک اسلام و مزدیسنی. امید که در پایان این جست‌وجو بتوان درباره‌ی تداوم نگاه‌های مزدایی به این مبحث در دوره‌ی اسلامی نیز، به سلب یا ایجاب، به رأی قابل اتکایی رسید. اهمیت این بحث را مورخان دین به جد دریافته و اشاره کرده اند که "باور به تأثیر نام خدا در تمشیت و جریان امور عالم و مسأله‌ی اسماء الحسنی که نزد صوفیه و عرفای اسلام و نصاری از ابن عربی تا ریمون لول مسیحی مورد بحث است در آموزه‌های مزدایی نیز به حدی مورد توجه است که در اوستا ("هرمزدیشت" / ۳-۲ و ۵) وقتی زرتشت از هرمزد سؤال می‌کند پیروزمندترین و چاره‌بخش‌ترین و مؤثرترین چیزها در سراسر گیتی چیست؟ او هرمزد اسم خود و امشاسپندان را که در واقع صفات خود وی هستند ذکر می‌کند و یک رساله‌ی پهلوی هم تحت عنوان نام‌ستایش‌نامه این توجه به اسماء الحسنی را در نزد مزدیسنان نشان می‌دهد" (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۲۴).

۳-۱- سؤالات مطرح در پژوهش

در این پژوهش ما در پی یافتن پاسخ‌هایی برای این پرسش‌ها هستیم:

۱. خدای زرتشت چه‌گونه خدایی‌ست؟
۲. چرا خدای زرتشت این‌گونه است؟ یا به عبارت دیگر چرا زرتشت برای بیان خدایی که تجربه‌ی دیدار با او را از سر گذرانده است چنین شیوه‌ی بیانی را برگزیده است؟
۳. خدای زرتشت چه نسبتی با انسان، طبیعت و جهان ماورای طبیعت دارد؟

۴. آیا می‌توان از پاسخ‌های این سه پرسش طرح کیهان‌شناختی منظمی بیرون کشید؟ اگر پاسخ مثبت است این طرح چه خواهد بود؟
۵. آیا تصویر و اوصاف الوهیت از اوستای کهن تا اوستای نو یک‌سان می‌ماند؟ اگر نه، دگرگونی‌های آن به چه شرحی است؟
۶. با آگاهی از یزدان‌شناسی زرتشتی و تحولات تاریخی آن و موقعیت تاریخی-جغرافیایی ویژه‌ی آن در میان دو جهان هندی و سامی که آن را از یک سو میراث‌دار نگاه وحدت وجودی هندی کرده است و از دیگر سو بعنوان دینی که از خدایی متشخص و متصف به صفات "سخن می‌گوید" آن را در ردیف ادیان توحیدی و نزدیک به ادیان ابراهیمی قرار داده است این سنت چه تأثیر و تأثرات متقابلی با ادیان مربوط به هر خانواده دارد و آیا می‌توان آن را جزء یکی از این دو گروه دانست یا باید در دسته‌ای جداگانه قرار گیرد؟

در این پژوهش، به دلایلی که در بخش یک توضیح خواهیم داد، وندیداد را از دایره‌ی بررسی خارج کرده ایم. نیز فصل صدو یک نام خدا در خرده اوستا، از آن جا که تنها فهرستی از نام‌های مفرد خداوند است و بیرون کشیدن نظامی کیهان‌شناختی از آن برای نویسنده ممکن نمی‌نمود در نظر گرفته نشد. در متن این تحقیق و در فهرست پایانی از اسما و صفات برای ترجمه‌ی بندهای گاهان و یسن هفت ها از ترجمه‌ی هومباخ و برای ترجمه‌ی دیگر قطعات اوستایی از ترجمه‌ی پورداوود استفاده شده است. در موارد استثنا که ترجمه‌های دیگر مورد رجوع بوده اند، در پی‌نوشت به منبع ترجمه اشاره شده است.

۴-۱- پیشینه‌ی پژوهش

در این بخش به دلیل ضرورت رعایت اختصار تنها به پژوهش‌هایی می‌پردازیم که موضوع اسما و صفات الهی در اوستا را به عنوان موضوع اصلی خود بررسی کرده اند. در این پژوهش جست و جوی نگارنده به یافتن نشانی سه منبع درخور توجه انجامید:

منبع نخست مقاله‌ای است از لوییس.اچ.گری به این نشانی:

Gray, Louis.H. (1926). A List of the Divine and Demonic Epithets in the Avesta. in Journal of the American Oriental Society, Vol. 46, pp.97-153.

گری در این مقاله صفات همه‌ی هستی‌های اهورایی و اهریمنی را از متن اوستا استخراج و در دو نوبت دسته‌بندی کرده است: نخست درآیندها را بر اساس صفات تنظیم کرده و در ذیل هر درآیند هستی‌های حائز

آن صفات را برشمرده است. در نوبت دوم، به عکس نخستین مرتبه، درآیندها را بر اساس نام هستی‌ها ترتیب داده و در ذیل صفات یادشده برای هریک را برشمرده است.

ارزش دیگر کارِ گری آن است که ذیل هر صفت صورتِ ودایی آن و ایزدِ حائزِ آن صفت را نیز ذکر کرده است. اما با این همه آن چه مانعِ تکیه‌ی نگارنده بر این مقاله شد نیافتنِ صفتِ *vouru cašānay* (مذکور در یسنای ۳۳/۱۳) در آن بود از قضا در تحلیلِ ساختارِ کیهان‌شناسی گاهانی اهمیتِ بسیار دارد (نک. الیاده، ۱۳۸۵: ۸۴).

منبع دوم مقاله ای است از مورتون. و. ایستون، استادِ فقه‌اللغهی تطبیقی در دانشگاه پنسیلوانیا، با این نشانی:

Easton, Morton.W. (1938): The Divinities of the Gathas, in Journal of American Oriental Society, Vol. 15, pp. 189-206.

وی در این مقاله نام‌ها و صفاتِ الوهیت‌های گاهانی، اهوره مزدا و امشاسپندان، را از متنِ گات‌ها و پس از ذکرِ نام‌ها و صفاتِ هر یک توضیحاتی نیز در باره‌ی نقشِ هریک در نظامِ الهیاتِ گاهانی و نیز شکلِ دستوریِ آن‌ها ارائه کرده است.

سومین و آخرین منبع نیز، که نگارنده تنها به نشانی آن دست یافت، پژوهشی است از آنتونیو پاناینو، ایران‌شناس ایتالیایی، که به تحلیلِ اسما و صفاتِ الهی، مذکور در هر مزد یشت (یشتِ یکم) و وایویشت (یشتِ پانزدهم) پرداخته است:

Panaino, Antonio. (2002). The list of Names of Ahura Mazdā (Yasht i) and Vayu (yasht xv), Rome.

جست و جوی نگارنده برای یافتنِ متنِ این کتاب یا نقد یا مقاله‌ای از آن متأسفانه راه به جایی نبرد.

۱-۲- روش‌های اوستا

برای روشن شدن مسیر و روش این پژوهش نگاهی به ماهیت اوستا و مسیر شکل‌گیری و تثبیت آن به عنوان متن دینی ضروری است. اوستا کتابی نیست که به یک‌باره و در تلاشی یک‌پارچه یا حتی با هدفی یگانه در زمانی نزدیک به پیامبر تدوین شده باشد بلکه آن چه امروز بدین نام در دست ماست، به عنوان مجموعه‌ای از آموزه‌های مذهبی که در بازه‌ی زمانی گسترده و با اهداف و نگاه‌هایی گوناگون آفریده و قرن‌ها سینه به سینه نقل شده است (بار، ۱۳۴۸: ۳۸)، به اتفاق سنت و پژوهش‌های مدرن، یک سوم یا یک چهارم (تفضلی، ۱۳۸۳: ۳۶) متن گردآوری شده در روزگار باستان است. سنت پهلوی بر اصالت تمامی متن اوستا پای می‌فشرده است (زرنر، ۱۳۷۴: ۲۶) اما امروزه این باور هیچ وجهی ندارد.^۵ بررسی‌های شرق‌شناسان اوستا را به دو بخش کاملاً متفاوت تقسیم می‌کند: اوستای متقدم، مجموعه‌ی متون گاهانی (یسن‌های ۲۸-۳۴، ۴۳-۵۱ و ۵۳)، یسن‌هفت‌ها (یسن‌های ۴۱-۳۵) و چهار کلام یا نیایش کوتاه اهوَنور، اشم و هو، ینگه هاتام و ایریما ایشیو (یسن ۲۷) نه تنها از نظر زبانی که از حیث باورها و آموزه‌ها نیز با جهان اوستای متأخر تفاوت‌های بسیار دارند. بخش متأخر اوستا شامل قسمتی از یسن‌ها، ویسپرد، خرده اوستا (نیایش، گاه، سی‌روزه، آفرینگان)، یشت‌ها، وندیداد، هادخت‌نسک، اوگمَدیچا، ویتانوسک، آفرین پیغامبر زرتشت و وشتاسپ‌یشت است.

برخی در صحت انتساب یک یا چند قطعه از سرودهای گاهانی به زرتشت تردید روا داشته اند. مثلاً ویلهلم گایگر معتقد است که یسنای ۵۳ پس از مرگ زرتشت سروده و به این مجموعه افزوده شده است. او یسن‌های ۴۹-۴۶ و ۵۹ را ((به ویژه)) از زبان زرتشت می‌داند و این یعنی بیان تلویحی امکان نادرستی تعلق دیگر یسن‌ها به وی و بر این اساس گاه از ((سرایندگان گات‌ها)) سخن می‌گوید (گایگر، ۱۳۸۲: ۵۹، ۷۱ و ۱۱۹). ترتیب گات‌ها نه بر اساس قدمت هر یک، که بر مبنای وزن آن‌هاست؛ یعنی اشعار هموزن در پی یک‌دیگر آمده اند (هنینگ، ۱۳۶۵: ۹۲).

درباره‌ی تألیف یسن هفت‌ها نظر بویس بر آن است که این بخش قطعاً پس از استوار شدن جامعه‌ی زرتشتی پدید آمده است (بویس، ۱۳۸۶: ۱۲۵). او بدون هیچ تردیدی این نیایش‌های منشور را اثر شخصی

^۱ باور سنتی مزدآپرستان آن است که اوستا نخستین بار در زمان گشتاسب و به دست خود زرتشت کتاب اوستا را همراه با تفسیر آن (زند) نگاشته و در خزانه‌ی آتشکده‌ی سمرقند نهاده شد. در دین‌کرد چهارم (۴۱۲ به بعد) آمده است که دارا پسر دارا (=داریوش سوم ۳۳۰-۳۳۶ ق.م) اوستا را گرد آورده و دستور داده است تا در دو نسخه در خزانه‌ی شاه‌ی و در دزنیشت نگاه دارند. نیز آمده است که بلاش‌اشکانی - احتمالاً بلاش اول از حدود ۵۱ تا ۸۰-۷۶ م) دستور به گردآوری اوستا داده است. روایت‌ها از گردآوری‌ها و ویرایش‌های دیگری در زمان اردشیر بابکان (۲۴۱-۲۲۶ م) و شاپور اول (۲۷۲-۲۴۱) نیز خبر می‌دهند (تفضلی، تاریخ ادبیات، ۱۳-۱۲). در متن دین‌کرد نیز آمده است که: ((جاماسب بر پایه‌ی کلمات و نوشته‌های خود زرتشت کتاب اوستا را به رشته‌ی تحریر کشید)) (DKM, 437, 20) به نقل از زرنر، ۱۳۷۴: ۵۶.

^۶ ژان کلنز معتقد است که ینگه هاتام و ایریما ایشیو در دوره‌های بعد و به زبانی شبه‌گاهانی نگاشته شده اند و اصالتاً متونی کهن-اوستایی نیستند. ن.ک عالی‌خانی، ۱۳۷۹: ۱. باورقی ۴.

نیبرگ تقسیم‌گات‌ها به پنج بخش را تأثیر سنتی قدیمی می‌داند. در ویسپرد ۹-۲/۷ پنج قطعه‌ی گاهانی همچون ایزدانی‌نیایش می‌شوند. گویا در این دوره زرتشتیان این پنج بخش را سخن‌جاودان‌خدایی می‌دانسته اند که برای آن‌ها هستی‌خدایی قائل شده اند (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۲۷۲).

زرتشت می‌داند (همان، ۱۶۰-۱۶۲). نارتن که قدمت زبانِ یسنِ هفت‌ها را هم‌چند زبانِ گات‌ها می‌شمارد (Kellens, 2002: 39) اختلافِ گاهان و یسنِ هفت‌ها را معلولِ اختلافِ سبکِ این دو بخشِ اوستایِ کهن می‌داند.^۷ از تفاوت‌هایِ زبانیِ مهم میانِ گات‌ها و یسنِ هفت‌ها این است که متکلمِ گات‌ها هم ((من)) است هم ((ما)) اما در یسنِ هفت‌ها تنها ضمیرِ ((ما)) را می‌یابیم.

فصل‌بندیِ سنتیِ اوستا از قرارِ دیگری است. در کتابِ دینکرت چنین آمده است که مجموعه‌ی کاملِ دین (=اوستا) شاملِ بیست و یک نسک (کتاب) بوده است. بار احتمال می‌دهد که منظور همان مجموعه‌ی قوانینِ دینی باشد که در زمانِ ساسانی نگاشته شده است. دینکرت این بیست و یک نسک را به سه بخشِ عمده تقسیم می‌کند: نخستین و مهم‌ترین آن‌ها که به دلیلِ وجودِ سرودهایِ گاهان (به پهلوی *gāsān*) گاسانیگ (*gāsānīg*) خوانده می‌شده است مجموعه‌ی مسائلِ مربوط به امورِ مینوی را در بر داشته و از این رو بیش‌ترین اهمیت را در این مجموعه داشته است. فروترین مرتبه از آن بخشی بوده است که از قانونِ دین (*dāt*) سخن می‌گفته است و از این رو داتیگ (*dātīg*) خوانده می‌شده است. جایگاهِ میانِ این دو بخش از آن گروه‌هاگ مانسریگ (*hādag mānsrig*) بوده است. نامِ این گروه مشتق است از مانسر (*mānsr*) >مانثره (*mān□ra*) به معنایِ سخنِ مقدّس و در مجموع به معنایِ ((آن چه به سخنِ مقدّس مربوط است)) (بار، ۱۳۴۸: ۶۱). این دسته بندی در دینکرت درباره‌ی رستگاری‌شناسی نیز اعمال شده است: مؤمنانِ گروهِ گاسانیگ با ایزدان پیوند دارند و از دیوان دور اند. مردمِ هادگ مانسریگ با مردمِ اهلو (اشون، نیک، پی‌روِ اشه) همراه بوده از دروندان برکنار می‌مانند و بالاخره سومین گروهِ مردمِ رستگار گروهِ داتیگ هستند که به پی‌روی از قانونِ شرع بسنده می‌کنند؛ اینان در زندگیِ اخروی با گروهِ آریاییان همراه شده از انیرانیان دور خواهند بود (همان: ۶۵).

تاریخِ گردآوریِ متنِ اصلی را برخی روزگارِ ساسانی و برخی دیگر، هم‌صدا با سنتِ زرتشتی، روزگارِ بلاشِ اشکانی می‌دانند (بویس، ۱۳۸۳: ۱۲۴). نیبرگ، گرچه ابتدا وجودِ نسخه‌ی مکتوبی از اوستا پیش از دروره‌ی ساسانی را ناممکن نمی‌داند، با ذکرِ دلایلی وجودِ عملیِ مجموعه‌ای از این دست پیش از زمانِ ساسانیان را رد کرده و همین را نقضی در سنتِ زرتشتی می‌داند که اگر نبود، این سنت به کلی سرنوشتی دیگر می‌داشت (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۱۳ و ۴۱۴-۴۱۶). او تاریخِ نگارشِ اوستایِ کنونی را، بی هیچ تردید، دوره‌ی ساسانی می‌داند و بر این نکته پای می‌فشارد که کارِ نگارش را زرتشتیانِ دوره‌ی میانه تنها به جبرِ زمانه و برایِ مصون داشتنِ سنت از آسیب‌هایِ بالقوه‌ی آن روزگار انجام دادند و نه در آن روزگار و نه در دوره‌های بعد این صورتِ مکتوب هرگز نقشی محوری -همچون نقشِ کتابِ مقدّس در سنتِ مسیحی و یهودی را نداشته است و این مجموعه هرگز نتوانست در میانِ زرتشتیان قدرت و تواناییِ یک ((کتاب)) را به دست آورد (همان: ۲-۸). بویس هر صورتِ نهاییِ اوستا را از نظرِ پیدایش و نظمِ آن نقطه‌ای اتّفاقی و تصادفی در زنجیره‌ی سنت می‌داند (بویس، ۱۳۷۶: ۳۴). ویژگیِ ناتاریخیِ متنِ اوستا باعث شده است که تاریخِ گذاشتنِ برایِ هر بخشِ آن به تنهایی یا تعیینِ فاصله‌ی زمانیِ بخش‌هایِ گوناگونِ آن با یکدیگر جز به تخمین و تقریب ممکن

⁷ Narten, Der Yasna Hapanhāti pp.28-35